

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن آلمان

خمر مقطر

با خبر از گفته رهبر شوید	پیر و جوان، مرد و زن عسکر شوید
پرچمی، از وحدت عالم بلند	جان به فدا کرده، برادر شوید
اسلحه عشق و محبت، به کف	متحدا، وارد سنگر شوید
دشمنی و بغض و تعصب، همه	محو نمایید و مقرر شوید
سرحد و هر مرز جهان بشکنید	یک وطن و میهن و کشور شوید
تا همه با یک خط و با یک زبان	مشکل هم رفع و توانگر شوید
زرد و سفید و سیاه و زرد پوست	دانه نشان زیب، به زیور شوید
تاجیک و هم ازبک و پشتون و غیر	خواهر و هم دادر و مادر شوید
مسلم و هندو و یهود و نصار	خویش و اقارب شده همسر شوید
بهر تساوی بی رجال و نساء	خدمتی بنموده برابر شوید
گر بزند، زخم جفا، ظالمی	مرهمی بر زخم ستمگر شوید
جام پر از زهر دهد، گر کسی	شیر و عسل داده و، شکر شوید
بهر تحریر حقیقت، ز دل	تارک میراث مکرر شوید
شاخه تقلید و جنون، بشکنید	غنچه امید معطر شوید
ریشه تبعیض و تعصب، گزید	زینت عالم شده عبهر شوید
باده خونابه، به دور افکنید	شارب پیمانۀ اطهر شوید
ساقی معناست، به دستش رباب	مست، ازین ساغر احمر شوید

بابلِ قدسیست ، به لحنِ ملیح	مژدهٔ وصل است ، نواگر شوید
روزِ لقا آمد و ، روزِ خطاب	لایق و شایسته و از در شوید
جلوه گر است ، دور فگنده نقاب	چشم گشایید و منور شوید
اخگری افروختم ، ای دوستان	همبرِ اسپند ، به مجمر شوید
گفتهٔ من ، کرد اگر انقلاب	شکوه گر از خمرِ مقطر شوید
قطره ای گردید به «نعمت» نصیب	مست ، ازین بادهٔ ساغر شوید